



<http://www.arianafghanistan.com>



شنبه ۲۰۱۷/۰۷/۰۱

حمید انوری

درنگی بر چند چرند!!!

قبل از اینکه درنگی داشته باشم بر چند چرند، لازم می افتد تا متذکر گردم اینکه به عنوان یک افغان حق دارم در مسائل کشور آبائی خود نظرات خود را داشته باشم، لذا لازم به تذکر میدانم که من از همه آنانی که در چهار دهه اخیر با هر اسم و رسمی خون افغان ریخته اند و با سرنوشت وطن و هموطنانم بازی کرده اند، سخت نفرت دارم و برای همه شان مرگ پر مشقت آرزو میکنم.

گزارشات تازه از موجودیت خیالی یک نهاد دیگر خبر میدهند به نام "مرکز مطالعات افغانستان مدرن" که در ذیل از نظر میگذرانیم و درنگی میداشته باشیم بر چند چرند این نهاد و یا تشکل جدید و نیم بند:

گلبدین، خواستار تقویت قدرت حکومت مرکزی است!

منبع: آریانا نیوز

مدیر مرکز مطالعات افغانستان مدرن گفت: حکمتیار ائتلاف [ائتلاف] گسترده ای را در افغانستان ایجاد خواهد کرد. عمرنثار به سپیوتنیک گفته که گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی احتمالاً تلاش خواهد کرد که ائتلاف گسترده ای در انتخابات آینده این کشور ایجاد کند که به این ترتیب شورای ملی شاهد تغییرات عمده ای خواهد بود.

نخست اینکه افغانستان آباده را همین گلبدین حکمتیار بود که با حکمت خود به ویرانه مبدل ساخت و فرسخ ها از مدرن بودن به عقب کشاند.

دوم هم اینکه افغانستان در حالت یک جنگ فرسایشی قرار داده شده است که مردم فقط صلح و آرامش میخواهند، افغانستان از "مدرن" بودن بی نهایت فاصله دارد؛ پس چگونه می شود یک مرکزی را براه انداخت و از "مطالعات افغانستان مدرن" نام برد؟

سوم هم اینکه گلبدین جنایت گستر و دمنش که به راکتیار و قصاب کابل شهرت دارد، مانند جن که از بسم الله واهمه دارد، از مدرن بودن در وحشت است. اگر چنین نیست به گفته مردم "دا گز او دا میدان"، قدم رنجه فرماید و در بازسازی قصر دارالامان که با راکت های کور خود تخریبش کرد، عملاً شرکت کرده و سنگ و چوب و خشت و سمنت به معماران برساند، یعنی عملاً زحمت یک روزمزد بی مزد و شش روز کار در هفته و روز هشت ساعت کار در آفتاب سوزان و سرمای زمستان را بر خود هموار کند، بعد شاید بشود از مدرنیزم و نه اخوانیزم با او صحبت کرد.

وی افزود: من بر این باورم که حکمتیار برای کسب پشتیبانی طالبان با این گروه در حال مذاکره است که پس از جلب طرفداری آنها با اشتراک اقلیت های ملی ائتلاف گسترده ای را در افغانستان ایجاد خواهد کرد.

این جناب مدیر صاحب "مطالعات افغانستان مدرن" لااقل باید شهادت اینرا داشته باشند که از دویدن سرسر پلوان خودداری ورزیده و صاف و ساده و با جرئت بگویند که گلبدین و اعوان و انصارش برای ایشان چه ها گفته اند؛ "من بر این باورم"، ارزش دو توت را هم ندارد.

از جانب دیگر طالبان برای گلبدین که در هر مقطع ای ارباب عوض میکند و نظر به قلقله های خودش دیگر حتی امت رسول الله هم به شمار نمی رود، پیشیزی ارزش قائل نیستند.

دیگر اینکه آیا مدیر صاحب "مرکز مطالعات افغانستان مدرن"، با اینهمه کش و فش و از آسمان و ریسمان گز کردن ها، میتوانند توضیح دهند که مقصد مبارک شان از "اقلیت های ملی"، کدام اقلیت ها بوده و نیز "اقلیت های غیر ملی" کدام "اقلیت" ها اند؟!

آیا جناب مدیر صاحب متوجه هستند که دانسته یا نادانسته در آتش تفرقه های قومی که بیگانه های مغرض در کشور ما افروخته اند، پکه میزنند و مسئله اقلیت و اکثریت را مطرح می سازند و بدین گونه آب به آسیاب بیگانه ها میریزند؟!

مدیر مرکز مطالعات افغانستان مدرن اظهار داشت، حکمتیار با اشتراک در انتخابات ولسی جرگه و ریاست جمهوری افغانستان به دنبال افزایش قدرت خود خواهد بود و ممکن است منحه رئیس ولسی جرگه کشور خود را انتخاب کند تا از آنجا ریاست جمهوری را نیز کنترل کند. وی مدعی شد، ورود حکمتیار به عرصه سیاسی افغانستان موقعیت حامد کرزی را نیز به خطر انداخته است.

این بدین معنی است که گلبدین از همین اکنون در تلاش غضب ریاست ولسی جرگه به هر شکلی که باشد، است و گویا در صدد بازسازی حزب منحل خود بوده و آنچه در جنگ های وحشتناک و دمنشانه سال های خون و خیانت (۱۹۹۲-۱۹۹۶) به دست آورده نتوانست و کابل زیبا را به ویرانه غم انگیزی مبدل ساخت و خون های پاک بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) از باشندگان بی گناه و بی دفاع کابل را بر زمین ریخت، اکنون با ایجاد تفرقه های قومی و دامن زدن به تعصبات قومی و مذهبی و زبانی و مطرح ساختن اقلیت و اکثریت و... به دست آورد که خواب است و خیال است و محال است و جنون.

از طرف دیگر "حامد کرزی" با تمام تپ و تلاش ها و تقنین و توطئه های چپ و راست، نه در داخل کشور و نه هم در خارج از مملکت، از هیچگونه "موقعیت" برخوردار نیست که گلبدین آنرا به خطر اندازد.

"حامد کرزی" در حالیکه در زمان "جهاد" عضو جبهه نجات ملی صیغت الله مجددی بود، در زمان سرمداری "برهان الدین ربانی" در پل باغ عمومی کابل، معین سیاسی وزارت خارجه ربانی بود و در حین زمان به حزب اسلامی گلبدین راپور تهیه میکرد که از جانب "قسیم فهیم" که ریاست استخبارات ربانی را بر عهده داشت، توقیف گردیده و سخت شکنجه شد و باقی قضایا. پس هیچگونه خطری از جانب گلبدین، حامد کرزی را تهدید نمی کند، بلکه شاید هم اکنون در زد و بند های پیدا و پنهان باهمدیگر شریک باشند.

عمرنثار خاطر نشان کرد، کرزی با هماهنگی چین، ایران و روسیه و با فاصله گرفتن از امریکا برای پاک کردن شهرتش منحه دست نشانده امریکا تلاش کرده است، اما ورود حکمتیار به عرصه سیاسی برنامه های

او را برهم زده است. وی تصریح کرد، حکمتیار برخلاف سیاستمداران احزاب شمالی افغانستان و هزاره خواستار نظام فدرالی نه بلکه منحيث یک ملی گرای پشتون خواستار تقویت قدرت حکومت مرکزی است. از اینهمه چرند پراگنی های تهوع آور که بگذریم، گلبدین را منحيث "یک ملی گرای پشتون" مطرح کردن، توهین بزرگی است هم به هرچه ملی گرا در کشور است، هم توهین بزرگی است به قوم محترم پشتون. از طرف دیگر بازهم جناب مدیر صاحب "احزاب شمالی" و "هزاره" و "پشتون" را مطرح نموده و به دستور گلبدین تفرقه های قومی را دامن میزند.

مدیر مرکز مطالعات افغانستان مدرن معتقد است که اقوام پشتون در جنوب و جنوب شرق به انتخابات اعتقاد نداشته و به صورت منظم رای نمی دهند که حکمتیار برای کسب رای آنها به ائتلاف با سایر شرکای پشتون خود نیاز دارد، زیرا او در حشر رای دهندگان پشتون به تنهایی با مشکل روبرو خواهد شد.

مدیر صاحب بازهم برای رد گم کردن، بسیار حساب شده به قوم شریف پشتون اهانت میکند، اما او خوب میداند که هیچ رهبر و رهن تنظیمی، هرگز نمایندگی از قوم خود نمی کند و گلبدین هم از این قاعده مستثنی نیست و اگر حرف زر و زور و تزویر نباشند، دو نفر هم به این مفت خوران چکه چور و سوداگران جهاد رای نمی دهند.

آیا به یاد دارید که یکی از این سوداگران جهاد بنام "رسول سیاف" با تمام مصارف هنگفت و تلاش های گسترده در انتخابات ریاست جمهوری، فقط دو فیصد رای گرفت؟! در

هم چنین وی معتقد است که امریکا از وضعیت کنونی در افغانستان راضی است و میلی به اصلاح نظام سیاسی افغانستان ندارد. این در حالی است که قبل از این نیز قریب الرحمان سعید سخنگوی حزب اسلامی نیز مدعی شده بود که حکمتیار منحيث یک رهبر مطرح خواهد شد و رئیس جمهور آینده کشور باید از حکمتیار مشاوره بگیرد.

کاش این "قریب الرحمن سعید" برابر یک تار مو به رحمن قریب می بود و چیزی بنام "وجدان" را وجود ناوجودش وجود میداشت و لااقل اندکی شرم و حیا میداشت که ندارد، اما حزب اسلامی گلبدین از همینگونه افراد بی وجدان و شرف باخته تشکیل شده است. خداوند خیر این ملت دربند کشیده شده را پیش کند که هر بی سر و پای و هر قصاب و جلاد ای خیال ریاست جمهوری میکند.

به دعا دست برآرید که برگردد چرخ

شاید آن روی فلک بهتر از این رو باشد